



شخصیت شوروی بود که بعد استقرار جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹، از ایران دیدار کرده بود، اما دیدار مزبور در ارتقای روابط ایران و شوروی یا حل و فصل مسالمت آمیز جنگ ایران و عراق، دستاورد زیادی به همراه نداشت. در عوض، ایران فشار بر عراق را تداوم بخشید و در اواسط فوریه با تصرف بخشی از شبه جزیره فاو و از جمله بندر نفتی فاو (که دیگر کار نمی کرد) دستاورد مهمی کسب کرد. در همین زمان، طارق عزیز دیداری یک روزه از مسکو

داشت که تا حدودی به حملات اخیر ایران و اقدامات دیپلماتیک شوروی برای ختم جنگ مربوط بود و در مسکو با شاوردنازده تبادل نظر کرد.^(۳)

در آغاز نوامبر ۱۹۸۶، فروش محرمانه اسلحه آمریکایی به ایران طی این سال افشا شد (به اصطلاح ماجرای ایران گیت). تبدالی که برقراری خطوط ارتباطی با میانه روهای داخل رهبری ایران از اهداف آن بود. (فروش سلاح های مذکور، هم مغایر تحریم عرضه اسلحه به ایران بود که آمریکا از ۱۹۷۹ برقرار کرده بود و هم ناقض سیاست اعلامی آمریکا از اواخر ۱۹۸۳ که متحدینش از فروش سلاح به ایران منع کرده بود). فروش سلاح به ایران توسط آمریکا تا حدودی نگرانی شوروی را از آغاز جنگ عراق و ایران مبنی بر اینکه نیاز شدید ایران به اسلحه آمریکایی در نهایت باعث تجدید روابط ایران و آمریکا خواهد شد، تأیید کرد. با این حال به واسطه ناراحتی ناشی از [آشکار شدن] مناسبات نظامی محرمانه بین ایالات متحده و ایران در هر دو کشور و تعهد مجدد واشینگتن در اواخر ۱۹۸۶ به عدم فروش سلاح به تهران، مسکو را مطمئن ساخت که احیای رابطه ایران و آمریکا اینک کمتر از قبل امکان پذیر شده است. ، مسکو در واکنش به افشای معامله محرمانه سلاح، اساساً از سرزنش رهبران ایران به دلیل تمایل نشان دادن به احیای روابط با امپریالیسم آمریکا، اجتناب کرد و در عوض از ایالات متحده

انتقاد کرد. اتحاد شوروی در بیاناتی که متوجه عراق و کل جهان عرب بود - که بیشترشان حامی عراق بودند - مدعی شد که فروش اسلحه آمریکایی به ایران - عامل تداوم حملات ایران علیه عراق است.^(۴) عراق هم ایالات متحده را در ماجرای فروش سلاح محکوم کرد، اگر چه براساس نفع اساسی اش در حفظ روابط صحیح با این کشور، حملات لفظی اش را متوجه اسرائیل (که نقش رابط را در معامله سلاح ایران و آمریکا ایفا کرده بود) و البته ایران کرد.^(۵)

در ۸ ژانویه ۱۹۸۷، برای نخستین بار پس از آغاز جنگ ایران و عراق، حکومت شوروی طرحی برای ختم منازعه منتشر کرد.^(۶) طرح به صورتی نسبتاً متوازن به منازعه عراق و ایران می نگریست تا اتحاد شوروی میانجی قابل قبولی به حساب آید. از یک طرف طرح شوروی به استفاده عراق از سلاح های شیمیایی علیه ایران اشاره داشته و متذکر می شد: در جریان جنگ، اقدامات غیر انسانی نظیر استفاده از سلاح های شیمیایی صورت گرفت و از طرف دیگر، از توسل ایران به راه حل نظامی انتقاد شده و اعلام می شد: ابزارهای نظامی فقط رسیدن به راه حل را دشوارتر می کند نه آسان تر. به هر حال در مجموع این طرح، موضع اساسی عراق مبنی بر حمایت از ختم جنگ و قبول مرزهای ایران و عراق پیش از آغاز منازعه، و قبول حقوق خلق ها جهت انتخاب شیوه زندگی و تعیین سرنوشت خویش را

به عراق را متوقف کنند و هنگامی که آنان در مقابل خواسته بودند که نخست ایران با صلح موافقت کند، ولایتی تهدید کرده بود که کشورش می تواند روابطش را با آمریکا از سر بگیرد.^(۱۱) در مجموع با آنکه تبادل دیدارهای مهمی بین اتحاد شوروی و ایران آغاز شد و در روابط اقتصادی بهبودهایی صورت گرفت،^(۱۲) اما مسائل اختلاف انگیز بین تهران و مسکو و به همراه آنها خصومت بنیادین رژیم اسلامی نسبت به اتحاد شوروی، تداوم یافت.

از آنجا که هیچ پیشرفت مهمی در روابط با ایران رخ نداد و از آنجا که ایران حملات علیه عراق را تداوم بخشید، اتحاد شوروی هم حمایت از عراق ادامه داد. شاید اتحاد

شوروی امیدوار بود که موضع آن کشور به عنوان فروشنده اصلی سلاح به عراق، اهمی برای فشار آوردن به ایران به دست آن کشور بدهد و نهایتاً ایران را وادار تا سیاست هایش را با اتحاد شوروی هماهنگ کند. در واقع، تمایل ایران برای بهبود روابط با اتحاد شوروی تا حد مشخص، علی رغم حمایت فزاینده نظامی شوروی از عراق، این

ارزیابی مسکو را تقویت کرد که راه تهران به شکلی پارادکسیکال از بغداد می گذرد.

اندک زمانی پس از سفر ولایتی، در ۲۰ فوریه ۱۹۸۷ طارق عزیز از اتحاد شوروی دیدار کرد و جداگانه با شوارندادزه، ریژکف و گرومیکو به مذاکره پرداخت. ظاهراً گرومیکو علاوه بر ارائه گزارشی از مذاکراتش با ولایتی به طارق عزیز، به او قول داد تا بدهی های عراق را بابت خرید اسلحه، مجدداً قسط بندی کنند و تحویل گشاده دستانه سلاح و از جمله پیشرفته ترین هواپیماهای جنگنده شوروی، میگ ۲۹، که قبلاً در آغاز سال ۱۹۸۷ به عراق فروخته شده بودند، تداوم یابد.^(۱۳) عراق حدود شش ماه زودتر از سوریه متحد اصلی شوروی در شرق عربی،

می پذیرفت. بعلاوه طرح، ادعای تهران را مبنی بر این که رژیم بعث صدام حسین مسئول جنایت آغاز جنگ بوده، نادیده می گرفت و خواستار تحقیق در زمینه مسأله تشخیص آغازگر نبود و معتقد بود که هر دو طرف نباید چشم به گذشته داشته باشند، بلکه به آینده بنگرند. به همین ترتیب در طرح، اشاره ای به مسأله جبران خسارات هم نبود.

ایران طرح شوروی را رد کرد^(۱۴) و روز بعد از انتشار آن، حمله وسیعی را علیه بصره (دومین شهر بزرگ عراق) آغاز کرد که عراقی ها تنها یک ماه بعد آن را متوقف کردند. عراق به نوبه خود از پیشنهاد شوروی استقبال کرد: سخنگوی وزارت خارجه عراق اعلام کرد که کشورش آماده همکاری با اتحاد شوروی و هر کشور دیگری است که برای رسیدن به حل قطعی و ریشه ای منازعه تلاش می کنند. اما تأکید وی بر اینکه هر تلاشی صادقانه ای برای وصول به صلح، قبل از هر چیزی باید مشتمل بر [اعمال] فشار زیادی بر رژیم متجاوز ایران باشد تا این رژیم وادار به ختم جنگ شود^(۱۵)، ظاهراً از طرح شوروی به دلیل فقدان عامل اجرایی انتقاد می کرد.

در پاسخ به دیدار کورنینکو از ایران در فوریه ۱۹۸۶، وزیر خارجه ایران علی اکبر ولایتی در ۱۳ و ۱۴ فوریه ۱۹۸۷ از اتحاد شوروی دیدار کرد و جداگانه با شوارندادزه، ریژکوف^۱ و گرومیکو به مذاکره پرداخت. طرف شوروی بر حفظ و توسعه مناسبات حسن همجواری با ایران مجدداً تأکید کرد: ولایتی نیز علاقه کشورش را به تقویت روابط حسن همجواری با اتحاد شوروی بیان داشت و شوارندادزه را به دیدار از ایران دعوت کرد.^(۱۶) علی رغم ابراز حسن نیت، اختلافات عمیقی بین ایران و اتحاد شوروی وجود داشت که در گزارش شوروی از مذاکرات گرومیکو و ولایتی، به تفصیل آمده بود. گرومیکو با انتقاد نسبت به امتناع ایران از ختم جنگ با عراق، به ولایتی گفت: مردم شما هم نفعی در گسترش گورستان با قبور کشتگان جنگ ندارند. گرومیکو در مسأله افغانستان هم با متهم ساختن ایران و این بیان که ایران مسئولیت کامل دارد که خاکش به عنوان پایگاهی برای مبارزه مسلحانه علیه افغانستان مورد استفاده قرار می گیرد،^(۱۷) ولایتی را مورد انتقاد قرار داد. ظاهراً ولایتی از مقامات شوروی خواسته بود فروش سلاح

**فروش سلاح به ایران توسط
امریکا، نگرانی شوروی را
از اینکه نیاز ایران به اسلحه
امریکایی در نهایت باعث
تجدید روابط دو کشور
خواهد شد را تأیید کرد**

1. Ryzhkov

گرومیکو مورد نکوهش قرار دهند. اما، هم شواردناده و هم ریژکف در مذاکرات خویش با ولایتی و طارق عزیز در فوریه ۱۹۸۷، از نکوهش ایران به دلیل امتناع از قطع جنگ با عراق امتناع کردند.^(۸۸) بنابراین به نظر می‌رسد که دو مکتب فکری اصلی راجع به جنگ عراق و ایران در کرملین وجود داشت: یکی به رهبری گرومیکو که بر حمایت نظامی و سیاسی از عراق تأکید داشت و دیگری به زعامت گورباچف که محتاطانه‌گزینه بهبود روابط با ایران را حفظ می‌کرد و آن را به لحاظ استراتژیک، مهم تر می‌دانست و لذا از حمایت محتاطانه از عراق پشتیبانی می‌کرد. سیاست احتیاط‌آمیز گورباچف در قبال جنگ عراق و ایران که هدفش توسعه روابط دوستانه با همسایه جنوبی‌اش ایران بود، با سیاست احتیاط‌آمیز وی راجع به روابط شوروی و آمریکا که در آن هم هدف تنش‌زدایی بود، تطابق داشت. در مقابل سیاست‌های گرومیکو، روابط ایران و شوروی را به خطر می‌انداخت همانطور که سیاست‌های مزبور در دوران قبل از گورباچف، تنش‌زدایی (دتان‌ت) را به خطر انداخت.

در پایان آوریل ۱۹۸۷، هیئتی از اتحادیه عرب که طارق عزیز هم در میان آنها بود، وارد اتحاد شوروی شد. دیدار مذکور بخشی از سفر دوره‌ای هیئت به پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت بود که با هدف جلب حمایت آنان جهت [تصویب] قطعنامه جدیدی در شورای امنیت صورت گرفت. قطعنامه‌ای که دیگر صرفاً محدود به دعوت به ختم جنگ عراق و ایران نشود بلکه حاوی ماده‌ای مبنی بر اعمال تحریم‌ها علیه طرفی که از قبول قطعنامه جدید امتناع می‌کند، یعنی ایران، باشد. هیئت اتحادیه عرب در ۲۸ آوریل با شواردناده و در ۲۹ آوریل با گرومیکو گفتگو کرد. هر دو مقام شوروی بر علاقه کشورشان به پایان جنگ خلیج فارس تأکید کردند. مع‌هذا، گزارش شوروی از مذاکرات، تأکید طارق عزیز را بر ضرورت اتخاذ اقدامات عملی علیه طرفی که از قبول اراده جامعه بین‌المللی جهت جنگ امتناع می‌کند، از قلم انداخت.^(۸۹) در پرتو امتناع شوروی نسبت به حمایت از اقدامات معنادار شورای امنیت جهت پایان دادن به جنگ عراق و ایران، صداقت مسکو در بیانیه‌های مکرر راجع به آرزومندی ختم سریع جنگ، محل تردید قرار می‌گیرد.

هواپیمای میگ - ۲۹ را تحویل گرفت، زیرا درخصوص بغداد، مسکو باید با خریدهای نظامی عراق از فرانسه، که متوجه تهیه هواپیماهای مدرن بود، رقابت می‌کرد. گرومیکو همچنین با این ادعا که اتحاد شوروی و بیشتر دولت‌های سازمان ملل به حمایت از حل و فصل اختلافات ایران و عراق نه در میدان جنگ بلکه از طریق مذاکره رأی داده‌اند، از ایران انتقاد کرد و افزود: بار مسئولیت کسانی که به این ندادها گوش فرامی‌دهند، کسانی که این دعوت‌ها را نادیده می‌گیرند، سنگین است.^(۹۰) باید یادآور شد، گرومیکو نخستین کسی بود که از سیاست ایران در جنگ، در ژوئن ۱۹۸۳ انتقاد کرد و در مناسبت‌های مختلف انتقاد مذکور را تکرار کرده بود.^(۹۱) به هر

حال در فوریه ۱۹۸۷، در حالی که گرومیکو سیاست ایران را در مذاکرات با ولایتی و طارق عزیز مورد انتقاد قرار می‌داد، در جای دیگر، گورباچف موضع بی‌طرفانه‌تری در جنگ عراق و ایران اتخاذ می‌کرد: [جنگ] برای هر دو کشور، فاجعه‌بار است. جنگ نه مسایل محل اختلاف را حل کرده و نه

آنها را حل و فصل خواهد کرد. باید آن را در سریع‌ترین زمان ممکن و سرمیز مذاکرات سیاسی به پایان رساند. راه دیگری وجود ندارد.^(۹۲)

اختلافات موجود در اظهارات گورباچف و گرومیکو راجع به جنگ عراق و ایران را فقط تا حدودی با تقسیم کار می‌توان توضیح داد که براساس آن، رهبر شوروی، وظیفه نکوهش ایران را به مقامی پایین‌تر از خود تفویض کرد تا گزینه اصلاح روابط با ایران، از دست نرود. اگر ماجرا از این قرار بود، در آن صورت ریژکف و شواردناده که توسط گورباچف به مقامشان منصوب شده بودند و لذا با وی اشتراک نظر داشتند، اما جایگاه رسمی‌شان پایین‌تر از گرومیکو بود، باید می‌توانستند ایران را حتی شدیدتر از

اتحاد شوروی با اتخاذ مواضعی مدعی شد که فروش اسلحه امریکایی به ایران، باعث تداوم حملات ایران علیه عراق خواهد شد

خارج به ویژه خاورمیانه بود که از دیدگاه شوروی، نزدیک مرزهایش بود. در واقع مسکو می‌کوشید در حل و فصل مناقشهٔ عراق و ایران از راه مذاکره میانجیگری کند و امیدوار بود از این راه اعتبار (پرستیژ) خویش را ارتقاء بخشد. در نهایت اینکه، تمایل شوروی تحت حکومت گورباچف به تقویت جایگاه سازمان ملل، باید آن را مشتاق کرده باشد که بخواهد این شورا اقدامات ملموسی را جهت ختم جنگ به عمل آورد.

روی هم رفته، اتحاد شوروی ظاهراً از تداوم جنگ چیزی چندانی به دست نمی‌آورد. به طور خاص، منافی که شوروی می‌توانست از تطویل جنگ کسب کند، ظاهراً به حداکثر آن رسیده بود،

اما فرصت‌های بهبود روابط با تهران هنوز دور از دسترس بود. با این وجود، اتحاد جماهیر شوروی ترجیح می‌داد، منافع بیشتری هر چند اندک کسب کند تا آنکه جنگ عراق و ایران با اقدامات قاطعانه سازمان ملل خاتمه یابد.

به نظر می‌رسد به دو دلیل، اتحاد شوروی به حل و فصل مناقشه عراق

و ایران کمتر از حل و فصل مناقشات منطقه ای دیگر متمایل بود، به خصوص مناقشاتی که در آن متحدین جهان سومی و اصلی شوروی، از این کشور سلاح دریافت می‌کردند، اما عراق محصولات نظامی را به صورت اعتباری خریداری می‌کرد که ضمانت بازپرداخت آن در دوران پس از جنگ، ذخایر اثبات شدهٔ نفت این کشور بود. همچنین برخلاف بیشتر مناقشات جهان سوم که در آنها شوروی و آمریکا دو طرف مناقشه بودند و مناقشه، روابط دو ابرقدرت را تحت تأثیر قرار می‌داد، در جنگ عراق و ایران قطب بندی مشابهی وجود نداشت و لذا تأثیر مناقشه بر رابطه ابرقدرت‌ها جزئی و اندک بود.

در آغاز دهه ۱۹۸۰، جنگ عراق و ایران واقعاً به نفع شوروی نبود. جنگ باعث ارتقای روابط ایران و شوروی نشده بود؛ برعکس روابط ایران و شوروی در سال ۱۹۸۳ به پایین‌ترین حد خود رسید. به علاوه طی سال‌های نخستین جنگ، اتحاد شوروی از فرصت بهبود روابط با عراق استفاده نکرده بود زیرا می‌خواست باعث دوری ایران نشود. اما در سال‌های بعد و از ۱۹۸۴-۱۹۸۳ به بعد، اتحاد شوروی به دلیل تعمیق روابطش با عراق، به عنوان فروشنده اصلی سلاح و در واقع مهم‌ترین قدرت در مناسبات خارجی عراق، از جنگ منتفع می‌شد. علاوه بر اینها، از ۱۹۸۵-۱۹۸۴ به بعد مسکو می‌کوشید تا به آرامی روابط با تهران را بهبود بخشد. جنگ نه فقط بخش عمده نفرت ضد کمونیستی رژیم اسلامی را متوجه کشور مسلمان دیگری ساخت، بلکه مقاومت تهران را مقابل توسعه روابط با شیطان کوچک تر تضعیف کرد. همانطور که دیدیم، نگرانی شوروی از این که نیاز فوری ایران به سلاح‌های آمریکایی این کشور را وادار به تجدید روابط با ایالات متحده کند، قطعاً در پایان سال ۱۹۸۶ و زمانی که ایالات متحده تلاش برای توقف صدور سلاح از کشورهای متحدش به ایران را آغاز کرد، کاهش یافت، حتی در اواخر سال ۱۹۸۶، یعنی هنگامی که فروش مخفیانه سلاح توسط دولت ریگان به ایران، افشا شد، این نگرانی کمتر هم شد. بنابراین از اواسط دهه ۱۹۸۰، جنگ تا حدود زیادی به نفع روابط شوروی و عراق و در مقیاسی کمتر به نفع روابط شوروی و ایران عمل می‌کرد. مسکو با عنایت به این نکته در بهار ۱۹۸۶ نگران آن شد که اگر از تحریم‌های سازمان ملل علیه تهران حمایت کند، چشم‌انداز روابط آتی‌اش با ایران لطمه ببیند.

در عین حال، جنگ همچنان مخاطرات و اشکالاتی برای اتحاد شوروی در برداشت. شوروی از افزایش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس [و اطراف آن ناراضی بود. به علاوه با توجه به حملات ایران، این خطر وجود داشت که عراق شکست را متحمل شود و همچنین تطویل جنگ به معنای بار مالی مداوم تقویت ماشین جنگی عراق بود و این سرمایه‌گذاری، سود مهمی برای مسکو، در شکل نفوذ بر بغداد نداشت. همچنین اولیویتی که گورباچف به اجرای اصلاحات داخلی می‌داد، مستلزم وجود جوی آرام در

در ۸ ژانویه ۱۹۸۷،

برای نخستین بار پس از

آغاز جنگ ایران و عراق،

حکومت شوروی طرحی

برای ختم منازعه منتشر کرد

تمدید معاهده شوروی - عراق (آوریل ۱۹۸۷)

معاهده دوستی شوروی - عراق در ۹ آوریل ۱۹۷۲ برای مدت پانزده سال با امکان تمدید خود به خودی آن به مدت ۵ سال، منعقد شده بود، مگر آنکه یکی از طرف تمایل خویش را به ختم معاهده یکسال قبل از زمان انقضاء (ماده ۱۲) اعلام می کرد. به این دلیل در آوریل ۱۹۸۷، رایزنی های مهمی بین عراق و اتحاد شوروی به وقوع پیوست. در ۱۰ آوریل، طه یاسین رمضان، سفیر شوروی در عراق را به حضور پذیرفت،^(۳۰) و از ۱۷ تا ۲۰ آوریل، رمضان از مسکو دیدار کرد و با آرخیپوف و ریژکف گفتگو کرد. از زمان مذاکرات و تمرکز مذاکرات بر روابط دوجانبه^(۳۱) استنباط می کنیم که تمدید معاهده

مورد بررسی قرار گرفته است. طه یاسین رمضان هم اشاره به همین موضوع داشت، هنگامی که اعلام کرد، دیدارش از شوروی مربوط به اجلاس سران صدام حسین - گورباچف در دسامبر ۱۹۸۵ و اجرای اصول آن اجلاس در مرحله فعلی و آینده و به ویژه در عرصه همکاری متقابل بود.^(۳۲) بنابراین به نظر می رسد که قبول

متقابل تمدید معاهده در جریان سفر صدام حسین به اتحاد شوروی در دسامبر ۱۹۸۵ صورت گرفته بود و توافق بر سر تمدید خودبه خودی و بدون اعلام رسمی آن، طی دیدار طه یاسین رمضان از اتحاد شوروی در آوریل ۱۹۸۶ به دست آمد. جالب آنکه، طی سفرهای جداگانه صدام حسین و طه یاسین رمضان به مسکو و در تبادل تبریکات سنتی بین رهبری شوروی و صدام حسین در چهاردهمین سالگرد معاهده در آوریل ۱۹۸۶، نه اتحاد شوروی و نه طرف عراقی تمدید معاهده را اعلام نکردند.^(۳۳) به علاوه، در تبریک های چهاردهمین سالگرد معاهده در آوریل ۱۹۸۷، هر دو طرف تنها خاطر نشان کردند که روابطشان بر پایه معاهده تداوم خواهد یافت.^(۳۴) به هر حال، چون هیچ یک از طرف ها،

خواستار ختم معاهده نشد، معاهده به خودی خود تمدید شد.^(۳۵)

اتحاد شوروی و عراق هر یک دلایل خود را برای تمدید ضمنی معاهده داشتند. از منظر بغداد، معاهده عبارت بود از تعهد شوروی جهت کمک به عراق در جریان جنگ مرگ و زندگی با تهران. بنابراین طی جنگ و به خصوص هنگامی که تهدید ایران جدی به نظر می رسید، عراق قصد نداشت از حق حقوقی اش جهت پایان دادن به معاهده استفاده کند. مع هذا برای آنکه باعث دوری از ایالات متحده نشود و گزینه فسخ احتمالی معاهده را در صورت ایجاد شرایط مناسب حفظ کند - زیرا معاهده با آرزوی عراق جهت داشتن سیاست عدم تعهد حقیقی، مغایر بود - لذا احتمالاً بغداد ترجیح داد تمدید معاهده را به صورت رسمی اعلام نکند.

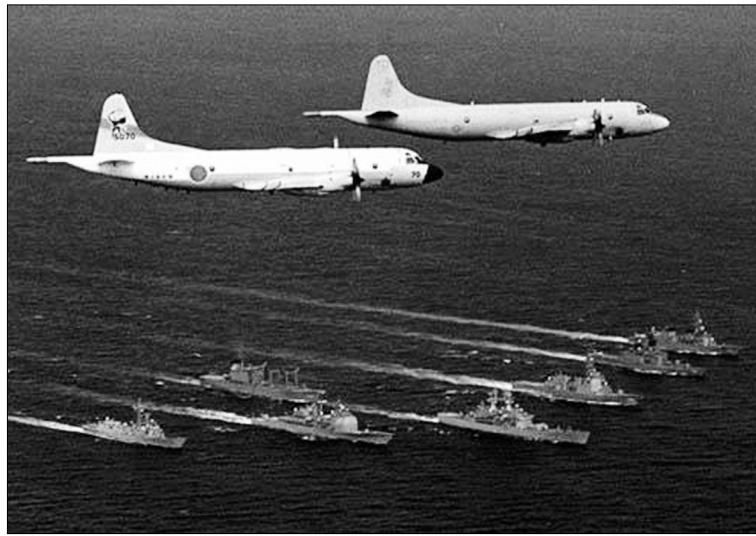
از دیدگاه مسکو، این معاهده، دستاورد ارزشمندی بود که تمدید آن چارچوب رسمی مناسبی برای بازگشت عراق به سیاست طرفداری از شوروی را فراهم می ساخت. همچنین، تمدید معاهده شوروی و عراق در نظر مسکو، الگویی بود که دیگر دولت های جهان سوم بدان وسیله و با پیمان های مشابهی می توانستند، همان مسیر را طی کنند.^(۳۶) مع هذا چون شوروی مایل نبود باعث رنجش ایران شود، اظهار نظری رسمی درباره تمدید معاهده منتشر نداشت.

اتحاد شوروی تمایل خویش به حفظ معاهده را در پانزدهمین سالگرد معاهده و بین ۸ تا ۱۰ آوریل ۱۹۸۷ با اعزام پتر دمیچف، عضو علی البدل پولیتبورو و معاون اول رئیس جمهور^(۳۷) به عراق نشان داد، دمیچف با صدام به تبادل نظر پرداخت. با آنکه دمیچف، عالی رتبه ترین مقام شوروی بود که از زمان سفر کاسیگین^(۳۸) در مه - ژوئن ۱۹۷۶، از عراق دیدار می کرد، اما دیدار حالت تشریفاتی داشت و دمیچف در مراسم رسمی سالگرد معاهده حضور یافت و هر دو طرف باز هم تمدید رسمی معاهده را اعلام نکردند.^(۳۹) به علاوه در پایان آوریل ۱۹۸۷ و براساس خط مشی مشخص شده در کنگره نهم حزب بعث، صدام حسین قدرت های دوست عراق را به ترتیب زیر فهرست کرد: فرانسه، اتحاد شوروی و چین. وی افزود: که عراق می تواند دوست امریکایی ها باشد، اگر آنان منافع عراق را رعایت کنند.^(۴۰)

تمایل ایران برای بهبود روابط با شوروی، علی رغم حمایت فزاینده نظامی شوروی از عراق، این ارزیابی مسکو را تقویت کرد که راه تهران به شکلی پارادکسیکال از بغداد می گذرد

1. Petr Demichev

2. Kosygin



سیاست شوروی به سمت ایران تغییر می‌کند

همانطور که دیدیم، از آغاز جنگ نفتکش‌ها، نفتکش‌های کویتی هدف مهم حملات ایران شده بود. از این رو، کویت در راستای سیاست سنتی حفظ نوعی توازن در روابط با ابرقدرت‌ها، از ایالات متحده و اتحاد شوروی خواست تا از نفتکش‌های آن کشور حراست کنند. اتحاد شوروی در جواب به این درخواست و در آوریل ۱۹۸۷ سه نفتکش خود را به کویت اجاره داد و طبعاً

نفتکش‌های مزبور تحت حمایت شوروی ماندند. ایالات متحده نیز به نوبه خود، در آغاز سال ۱۹۸۷ موافقت کرد که پرچم آمریکا بر فراز یازده نفتکش کویتی نصب شود و آمریکا از آنها دفاع کند، گرچه تا بهار این توافق عملی نشد. با آنکه اقدام مسکو، بدعتی در سیاست شوروی در خلیج [فارس] محسوب می‌شد، اما باز هم در چارچوب خط مشی مذکور قرار داشت. اتحاد شوروی با قبول حراست از سه نفتکش، بیشتر جهت تأمین جایگاهی برای خود در خلیج [فارس] تلاش می‌کرد تا حضور نظامی؛ حتی پس از موافقت نامه مزبور هم، ناوگان نظامی شوروی در خلیج [فارس] کوچک ماند و تنها از سه کشتی تشکیل می‌شد.^(۳۰) به علاوه، با توجه به تفوق ناوگان آمریکا در منطقه خلیج [فارس]، که با نصب پرچم بر نفتکش‌های کویتی افزایش بیشتری هم می‌یافت، اتحاد شوروی خواستار خروج نیروهای نظامی کشورهای فاقد ساحل از خلیج [فارس] شد.^(۳۱) تعهد شوروی به حمایت از سه نفتکشی که به کویت اجاره داده بود، کویتی که عملاً متحد عراق بود، باعث تقویت حمایت شوروی از بغداد در جنگ خلیج [فارس] شد. در مقابل، در ۶ ماه مه، قایق‌های توپدار ایران بدون داشتن علایم شناسایی، یک کشتی باری شوروی را که در اختیار عربستان سعودی بود گلوله باران کردند و در ۱۶ ماه مه یکی از نفتکش‌های اجاره ای شوروی

بامینی برخورد کرد که ایران کار گذاشته بود. اتحاد شوروی با احتیاط عکس‌العمل نشان داد و حتی از متهم ساختن صریح ایران به ارتکاب این دو عمل اجتناب کرد، زیرا دومی مسئولیتی متوجه ایران نمی‌ساخت.^(۳۲) در پایان ماه مه ۱۹۸۷، ایالات متحده اعلام کرد که در اوایل ژوئن، پرچم خود را بر یازده نفتکش کویتی نصب خواهد کرد. با آنکه طی ماه ژوئن این امر متحقق نشد، اما افزایش شدید حضور نظامی آمریکا در خلیج [فارس] و اطراف آن که لازمه عملیات مزبور بود، نگرانی‌های شوروی را تشدید کرد. مقامات شوروی ضمن اجتناب از سرزنش تصمیم کویت جهت درخواست حمایت آمریکا، تقویت منظم حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج [فارس] را به شدت محکوم کردند. حضور نظامی مزبور که در واقع متوجه ایران بود، باعث انتشار بیابیه‌های خصمانه ضد آمریکایی از طرف این کشور شد و لذا زمینه مشترکی بین مسکو و تهران به وجود آمد که باعث شد ایران نسبت به حضور نظامی اندک شوروی در خلیج [فارس] اغماض ورزد.

مسکو برای ممانعت از تقویت ناوگان آمریکا در منطقه خلیج [فارس] و میانجیگری در جنگ عراق و ایران، یولی ورتنسوف، معاون اول وزیر خارجه و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، را جهت دیدار از ایران از

1. Iulii Voronsov

بهره برداری از تنش در منطقه [خلیج فارس] جهت افزایش حضور نظامی شان اشاره کرده اند، چنین مدعایی در روایت عراق وجود نداشت.^(۳۶) همانطور که پیشتر متذکر شدیم. عراق در واقع از افزایش حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج [فارس] (البته، نه به صورت صریح) استقبال می کرد، زیرا این امر عملاً علیه ایران بود.^(۳۷) در همان ملاقات ورنتسوف و صدام حسین در عراق و در جریان دیدارهای جداگانه طه یاسین رمضان باریزکف و گرومیکو در اتحاد شوروی به تاریخ ۲ جولای ۱۹۸۷، طرف عراقی باز هم در محکومیت تشدید حضور نظامی امریکادر خلیج [فارس] ابا شوروی متفق القول نشد.^(۳۸) جالب آنکه، در راستای تلاش مداوم گورباچف برای بهبود روابط با ایران، در روایت شوروی از مذاکرات گرومیکو با رمضان انتقادی از امتناع ایران از پایان دادن به جنگ به چشم نمی خورد امری که مغایر با گفتگوهای پیشین گرومیکو با طارق عزیز در فوریه ۱۹۸۷ بود.^(۳۹)

در ۳ جولای ۱۹۸۷، حکومت شوروی بیانیه ای درباره خلیج [فارس] منتشر ساخت. حکومت شوروی [در بیانیه مذکور] بعد از متهم سازی مرسوم ایالات متحده به تلاش برای بهره برداری از وضع پرتنش خلیج [فارس] جهت تحمیل هژمونی نظامی - سیاسی اش بر آن منطقه، پیشنهاد کرده بود که همه ناوهای کشورهای خارج از منطقه در کوتاهترین زمان از خلیج [فارس] خارج شوند و ایران و عراق نیز به نوبه خود از فعالیت های تهدیدزا برای کشتیرانی بین المللی دست بردارند. اگر چه بیانیه شوروی اظهار می داشت که اقدامات مزبور باید در چارچوب حل و فصل جامع منازعه عراق و ایران صورت گیرند، اما پیشنهاد شوروی - همانطور که تحلیل پروادا بیان می کرد، هدف اصلی اش توقف جنگ نفتکش ها و خروج همه کشتی های نظامی از خلیج [فارس] بود.^(۴۰) پیشنهاد نشان می داد که اتحاد شوروی بیشتر نگران بیرون راندن ناوهای امریکایی از خلیج [فارس] است تا پایان دادن به جنگ عراق و ایران. در مجموع، مسکو اینک با صراحت و قویاً از همان طرحی حمایت می کرد که قبلاً در جریان سفر ورنتسوف به ایران و عراق در ژوئن ۱۹۸۷ در پشت پرده دنبال کرده بود.

جای تعجب نداشت که عراق از پیشنهاد شوروی به خشم آمد؛ زیرا عراق حمله به نفتکش های حامل نفت

۱۲ تا ۱۵ ژوئن و دیدار از عراق از ۱۶ تا ۱۸ ژوئن، اعزام کرد. ظاهراً ورنتسوف در این دیدارها، پیشنهاد کرده بود در گام نخست، جنگ نفتکش ها متوقف شود و بعد مذاکرات بین ایران و عراق در مسکو جهت وصول به حل جامع مناقشه برگزار گردد.^(۴۱) تأکید ورنتسوف بر ضرورت توقف جنگ نفتکش ها که عراق آغازگر آن بود - در جنگ مزبور عراق ایران را تحت فشار قرار داده بود و ایران مایل به ختم آن بود - بیانگر تغییری جزئی موضع شوروی در قبال جنگ بود. بنابراین، برخلاف افزایش تدریجی حمایت سیاسی و نظامی شوروی از عراق در مقابل ایران از تابستان ۱۹۸۲ به بعد، که جدیدترین نمونه آن هم اجاره دادن نفتکش های شوروی به کویت در بهار ۱۹۸۷ بود، مسکو اینک در برخی وجوه جنگ خلیج [فارس] به تهران نزدیک تر می شد. این تغییر را با چندین نکته می توان تبیین کرد: اولاً، از آنجا که شوروی خواستار ممانعت از تقویت بیشتر حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج [فارس] و اطراف آن بود، باید جهت رفع علت این حضور یعنی متوقف ساختن جنگ نفتکش ها تلاش می کرد، رویکردی که با موضع ایران مطابقت داشت. ثانیاً همگرایی و نزدیکی مواضع شوروی و ایران در خصوص حضور فزاینده ناوگان امریکا در منطقه خلیج [فارس] در جریان سفر ورنتسوف به ایران آشکار شد^(۴۲) و مسکو را به سمت تهران سوق داد. ثالثاً، چرخش اندک در حمایت تقریباً کامل شوروی از عراق، احتمالاً بازتاب تقویت نقش گورباچف در تدوین سیاست های کشور، حتی در مسایل ثانوی مانند مناقشات جهان سوم است.^(۴۳) همانطور که دیدیم گورباچف مایل به حفظ گزینه ایران بود و تصادفی نبود که کوشش برای بهبود روابط با ایران، از طرف معاون اول وزیر خارجه که در دوره حکومت او منصوب شده بود، یعنی ورنتسوف، به عمل آمد. ظاهراً اتحاد شوروی معتقد بود که تغییر به سمت ایران، لطمه اندکی به روابط با عراق خواهد زد، زیرا عراق همچنان وابستگی شدیدی به سلاح های شوروی دارد.

عراق برخلاف ایران، مخالفتی با حضور نظامی امریکا در خلیج [فارس] ابراز نکرد. به طور خاص، در حالی که در گزارش شوروی از ملاقات ورنتسوف با صدام حسین در ۱۷ ژوئن ۱۹۸۷ مدعی شد که هر دو طرف به ضرورت مخالفت با هر تلاشی از طرف نیروهای امپریالیستی برای

کویتي در ۲۱ جولای آغاز شود، ایالات متحده پیش بینی برخوردار نظامی با ایران را کرده بود و لذا به دنبال [جلب] حمایت جامعه بین المللی بود؛ اما، اتحاد شوروی - که با توجه به برنامه آتی عملیات نصب پرچم، می کوشید از خصومت تشدید شده ایران علیه ایالات متحده جهت تقویت روابط با این کشور استفاده کند - برای وصول به این هدف مانع اعمال تحریم ها علیه ایران شد. اعتراض مسکو به تحریم ها از عدم تمایل آن کشور به از دست دادن موضعش به عنوان تنها قدرت بزرگ میانجی در مناقشه ایران و عراق نیز ناشی می شد.

با آنکه قطعنامه ۵۹۸، تحریمی وضع نکرد، اما عراق از

آن استقبال کرد با این امید که اگر ایران قطعنامه را رد کند، قطعنامه دومی که تحریم اسلحه را اعمال می کند، صادر خواهد شد. ایران قطعنامه را مورد حمله قرار داد و آن را جانبداری از عراق دانست، اما صراحتاً آن را رد نکرد. با تأمل در این مسأله چنین به نظر می رسد که [عکس العمل ایران] علامت مهمی از فتور در اراده تهران نسبت به تداوم جنگ است.

عراق حدود
شش ماه زودتر از سوریه
متحد اصلی شوروی
در شرق عربی،
هواپیمای میگ - ۲۹ را
تحويل گرفت

پس از صدور قطعنامه ۵۹۸، ورنتسوف از ۳۰ جولای تا ۴ اگوست، برای بار دوم به ایران و عراق سفر کرد. با آنکه هدف اعلامی وی، بررسی امکانات اجرای قطعنامه بود؛^(۴۷) اما پوشش خبری سفر ورنتسوف در شوروی حاکی از آن است که هدف اصلی، جلب حمایت بغداد و تهران از پیشنهاد ۳ جولای شوروی بود، پیشنهادی که خواستار خروج همه ناوهای خارجی از خلیج [فارس] و خاتمه جنگ بود.^(۴۸) عدم استقبال صدام حسین از ورنتسوف احتمالاً علامت خشم مداوم عراق از این پیشنهاد بود.^(۴۹) حال آنکه [آقای] خامنه ای، رئیس جمهور ایران، زمانی که ورنتسوف را به حضور پذیرفت، از موضع اخیر اتحاد

صادراتی ایران را ابزار مهمی برای واداشتن ایران به ختم جنگ تلقی می کرد. صدام با اشاره به پیشنهاد شوروی در ۱۶ جولای اعلام کرد: ما علیه هر نوع تلاشی که به یک جنبه از منازعه [عراق و ایران] توجه کند و جوانب دیگر را کنار بگذارد، هشدار می دهیم، زیرا چنین تلاش هایی جنگ را تداوم می بخشد.^(۴۱) ایران به نوبه خود، حمایت خویش را از دعوت شوروی مبنی بر خروج نیروهای خارجی از خلیج [فارس] اعلام داشت^(۴۲) و آمادگی خود را برای قطع حملات به کشتی های بین المللی به صورت متقابل بیان داشت، اما همچنان بر تداوم جنگ علیه عراق تأکید کرد.

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و تحریم ها

در پاسخ به درخواست عراق از پنج عضو دائم شورای امنیت برای اتخاذ اقدامات موثر جهت خاتمه جنگ خلیج [فارس]، این کشورها پیش نویس قطعنامه ای را تدوین کردند که ۲۰ جولای ۱۹۸۷ به اتفاق آراء در شورا با عنوان قطعنامه ۵۹۸ به تصویب رسید. ماده اول قطعنامه خواستار آتش بس فوری در جنگ عراق و ایران و به دنبال آن عقب نشینی همه نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی بود. این ماده کاملاً به نفع عراق بود زیرا این کشور در موضع تدافعی قرار داشت و بخش هایی از خاک آن در اشغال ایران بود. اما، ماده ۶ قطعنامه کمابیش پاسخی به درخواست ایران برای معرفی عراق به عنوان متجاوز و آغازگر جنگ بود و پیشنهاد می کرد هیئت بی طرفی برای تحقیق در زمینه مسئولیت منازعه تشکیل شود.^(۴۳) این واقعیت که جوهره ماده یکم قطعنامه در بیانیه شوروی راجع به خلیج [فارس] در ۳ جولای ۱۹۸۷ آمده بود^(۴۴) و ماده مزبور در گزارش پروادا از قطعنامه نیز درج شده بود،^(۴۵) اما ماده ۶ در هیچکدام نبود، نشان می دهد که مقامات شوروی در طرح اولی شرکت داشتند، اما در دومی دخیل نبودند و لذا جانبداری قابل توجهی از [موضع] عراق محفوظ مانده بود.^(۴۶)

در قطعنامه آمده بود که در صورت لزوم، شورا بار دیگر برای بررسی گام های بعدی جهت اطمینان از رعایت قطعنامه تشکیل جلسه خواهد داد. این اشاره به تحریم های احتمالی علیه طرفی که قطعنامه را رعایت نکند، ظاهراً حاصل سازش بین مواضع شوروی و امریکا بود. از آنجا که قرار بود عملیات نصب پرچم های امریکا بر یازده نفتکش

در ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۷، ارائه شد، نیز مطرح شد: لازم است برای تضمین آتش بسی فوری و همزمان بین ایران و عراق و اجرای رسالت دبیر کل سازمان ملل راجع به [ایجاد] هیئت بی طرفی جهت بررسی مسأله مسئولیت منازعه، تلاش شود.^(۵۳) اگر توجه کنیم که ایران در اواسط سپتامبر ۱۹۸۷ به دبیر کل سازمان ملل خاویر پرز دکوئیار گفته بود، این کشور آماده قبول آتش بسی غیر رسمی (ماده ۱، قطعنامه ۵۹۸) خواهد بود اگر کمیسیون بی طرفی تأسیس شود (ماده ۶ قطعنامه ۵۹۸) و به دنبال آن زمانی که تحقیق کمیسیون مزبور کامل و عراق در آغاز درگیری مقصر شناخته شود، آتش بسی رسمی برقرار شود. پیشنهاد شوارندادزه برای ترکیب اجرای بندهای ۱ و ۶ قطعنامه ۵۹۸ هم منصفانه و هم شایسته امتحان به نظر می رسید. با این حال می توان فرض کرد که پیشنهاد مسکو با حرکت به سمت موضع تهران، در درجه اول هدفش بهبود روابط با تهران و در درجه دوم رسیدن به راه حلی با میانجیگری شوروی بود.

در سخنرانی ۲۳ سپتامبر شوارندادزه، دعوت به جایگزینی نیروی سازمان ملل به جای ناوهای خارجی در خلیج [فارس] جهت حفظ آزادی کشتیرانی نیز وجود داشت. از آنجا که پیشنهاد ۳ جولای شوروی راجع به خلیج [فارس] مقبول قدرت های غربی واقع نشده بود، پیشنهاد آزادی کشتیرانی در خلیج [فارس] با هدف کاستن از حضور نظامی گسترده غربی و کسب نقش به رسمیت شناخته شده بین المللی برای واحد نیروی دریایی کوچک شوروی^(۵۴) در چارچوب نیروی مذکور مد نظر قرار گرفت.

در روز بعد، طارق عزیز مخالفت کامل عراق را با راه حل پیشنهادی شوروی در رابطه بین مواد ۱ و ۶ قطعنامه ۵۹۸، به شوارندادزه انتقال داد و تأکید کرد که قطعنامه مزبور باید بر اساس توالی پاراگراف ها به اجرا درآید.^(۵۵)

بغداد با هر تلاشی برای جلب نظر تهران مخالفت بود با این امید که در صورت اصرار ایران بر امتناع از اجرای قطعنامه ۵۹۸، تحریم ها بر این کشور اعمال خواهد شد. تحریم های شورای امنیت برای عراق حائز اهمیت بودند، هم به عنوان ابزاری جهت واداشتن ایران به ختم جنگ و هم به عنوان سند محکومیت بین المللی دشمن اصلی این کشور که می توانست با این وسیله مسئولیت آغاز جنگ را تحت الشعاع قرار دهد. پیشنهاد ۲۳ سپتامبر شوارندادزه

شوروی در قبال خلیج [فارس] اظهار امتنان کرد.^(۵۶) اختلافات عراق و شوروی در مسأله ختم جنگ ایران و عراق، طی سفر هیئتی از اتحادیه عرب به مسکو نیز آشکار شد، هیئتی که طارق عزیز نیز در آن حضور داشت و دیدارهای جداگانه ای با شوارندادزه و ریژکف در ۹ سپتامبر ۱۹۸۷ برگزار کرد. در حالی که طرف عربی ظاهراً در پی جلب حمایت شوروی از اعمال تحریم های مصوب شورای امنیت علیه ایران بود، در گزارش شوروی از مذاکرات، تعهد شوروی به قطعنامه ۵۹۸ تکرار شد و ذکری از تحریم ها به میان نیامد و از موضع ایران در قبال قطعنامه هم انتقاد نشد. نکته قابل توجه آنکه، گرومیکو - کسی که به صورت

غیر مستقیم اصرار ایران به تداوم جنگ علیه عراق را در دیدار پیشین هیئت اتحادیه عرب از مسکو در آوریل ۱۹۸۷ مورد انتقاد قرار داده بود^(۵۷) در این مذاکرات شرکت نکرد، امری که بیانگر تضعیف نقش او در تدوین خط مشی شوروی در قبال جنگ ایران و عراق است. ریژکف و شوارندادزه به جای

سرزنش ایران، به هیئت اتحادیه عرب گفتند که حضور عظیم نظامی ایالات متحده و دیگر کشورهای عضو ناتو در خلیج [فارس] (در ماه آگوست کشورهای عضو ناتو هم، به ویژه بریتانیا و فرانسه ناوهای خود را به خلیج [فارس] اعزام کرده بودند) مانع چاره جویی برای حل و فصل صلح آمیز در مناقشه عراق و ایران می شود. آنان پیشنهاد ۳ جولای حکومت شوروی راجع به عادی سازی وضعیت در خلیج [فارس] را تکرار کردند. بعلاوه شوارندادزه مدعی شد که استقرار صلح در منطقه نیازمند رویکردی متوازن^(۵۸) است.

این رویکرد متوازن در پیشنهاد شوارندادزه که در سخنرانی وی در جلسه سالانه مجمع عمومی سازمان ملل

گرومیکو نخستین کسی بود که از سیاست ایران در جنگ، در ژوئن ۱۹۸۳ انتقاد کرد و در مناسبت های مختلف، انتقاد مذکور را تکرار کرد

1. Balanced approach

توسعه روابط با ایران همسایه، تأکید می‌کردند که اتحاد شوروی از صدور سلاح به ایران خودداری خواهد کرد. آنان بار دیگر فروش موجود سلاح شوروی به عراق را مورد تأکید قرار دادند و اعتبار معاهده دوستی شوروی و عراق را متذکر شدند.^(۶۱) می‌توان به صورتی معقول فرض کرد که مقامات شوروی عامدانه اثربخشی تحریم‌ها را، به عنوان بهانه‌ای برای رد حمایت از اقدام مزبور، کمتر از واقع ارزیابی کرده‌اند؛ حال آنکه دلیل واقعی مخالفت با تحریم‌ها، اساساً همان دلایل موجود در جولای ۱۹۸۷ بود. اتحاد شوروی امیدوار بود که مخالفت مداوم شوروی با تحریم‌ها، از سوی ایران مورد تقدیر قرار گیرد؛ به ویژه با توجه به حمایت‌های قدرت‌های عمده غربی، ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه از تحریم‌ها، شرایط پیشرفت بطنی و دشوار روابط ایران و شوروی بهبود یابد.^(۶۲)

چین هم به اعمال تحریم‌ها علیه ایران اعتراض کرد و در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰، چین به فروشنده اصلی اسلحه به ایران تبدیل شده بود.^(۶۳) به هر حال، از آنجا که چین در عین حال تلاش می‌کرد تا روابط دوستانه‌اش را با عراق حفظ کنند، و [حزب] بعث عراق همچنان اهمیت ویژه‌ای برای توسعه روابط با چین قائل بود، بغداد از محکوم ساختن سیاست چین راجع به جنگ ایران و عراق خودداری کرد.^(۶۴) رسانه‌های شوروی در راستای تلاش‌های گورباچف برای ارتقای روابط با چین، ذکری از فروش سلاح‌های چینی به ایران نکردند، در حالی که دربارهٔ فروش مخفی واقعی یا ادعایی سلاح‌های غربی به ایران، با هدف بی‌اعتبارسازی غرب و به ویژه جانبداری‌اش از تحریم در چشم عراقی‌ها، داد سخن دادند.

رسانه‌های شوروی فقط به صورتی ناقص، تغییر سیاست شوروی به سمت ایران را در سطح دیپلماتیک در پاییز ۱۹۸۷ انعکاس دادند. درست است که مطبوعات بیانگر خط فکری گورباچف و شواردناده، به ویژه پراودا، کوشیدند به صورتی تصنعی، گناه تداوم جنگ عراق و ایران را از دوش ایران برداشته و به حضور نظامی نیروهای امریکایی در خلیج [فارس] نسبت دهند و به طور کلی در برخورد‌های بین نیروهای امریکایی و ایران در خلیج [فارس]، جانب ایران را بگیرند؛^(۶۵) اما دیگر روزنامه‌های اصلی شوروی مانند کراسنایا زوزدا،^(۶۶)

درباره تأسیس نیروی سازمان ملل برای خلیج [فارس] تناقض آشکاری هم با منافع عراق داشت، زیرا رفتن نیروی دریایی عظیمی که در واقع علیه ایران بود و آمدن نیروی دریایی کوچک بی‌طرف به جای آن، از پیشنهاد مذکور استنباط می‌شد.

ورنتسوف از ۲۸ تا ۳۰ اکتبر ۱۹۸۷ از بغداد دیدار کرد تا عراق را نسبت به پیشنهادهای ۲۳ سپتامبر شواردناده راجع به جنگ ایران و عراق و خلیج [فارس] ترغیب کند. در مذاکرات ورنسوف با صدام حسین وی هر تلاشی برای سوء تعبیر از قطعنامه ۵۹۸ را مردود دانست؛^(۶۷) یعنی وی بار دیگر مخالفت عراق را با اجرای همزمان مواد ۱ و ۶ قطعنامه مزبور، مورد تأکید قرار داد. به علاوه می‌توان نتیجه گرفت که عراق طرح شوروی راجع به خلیج [فارس] را هم رد کرده است، زیرا با آنکه در گزارش شوروی از مذاکرات گفته می‌شد که ورنسوف توجه بغداد را به طرح جلب کرده است، اما در گزارش بغداد، مسأله مذکور به طور کل حذف شده بود.^(۶۸) ورنسوف بعد از دیدار از عراق در ۳۱ اکتبر تا ۱ نوامبر از ایران دیدار کرد و در آنجا پیشنهادهایی که در عراق رد شده بودند، با اندکی همدلی مواجه شد، اما قبول نشد.^(۶۹) در مجموع، پس از تکمیل سه دیدار ورنسوف از بغداد و تهران از ژوئن ۱۹۸۷ تلاش‌های میانجیگرانهٔ وی به بن بست رسید. حتی بدتر، علی‌رغم تغییر تدریجی در جهت‌گیری شوروی به سمت ایران در مناقشه با عراق طی دیدارهای مزبور، مسکو پیشرفت قابل توجهی در روابط‌اش با تهران به دست نیاورد، بلکه موجب خشم بغداد شد.

در واقع، در پاییز ۱۹۸۷، طه یاسین رمضان و طارق عزیز در کنار رد قاطعانه تفسیر اشتباه مسکو از قطعنامه ۵۹۸، مخالفت شوروی با تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را هم، که در رأس آن تحریم [فروش] اسلحه به ایران بود، آماج انتقاد قرار دادند.^(۷۰) در پاسخ، مقامات شوروی مدعی بود که قبل از اعمال تحریم، باید زمان بیشتری به تلاش‌های میانجیگریانه دبیر کل سازمان ملل داده شود و در هر حال تحریم اسلحه بی‌نتیجه خواهد بود زیرا شرکت‌های خصوصی در غرب ملزم به آن نخواهند شد. بعلاوه مقامات شوروی ضمن اصرار بر حق کشورشان برای اجرای سیاست خارجی منطبق با منافع ملی آن کشور، از جمله

بودند مباحثات مربوط به خلیج فارس] و جنگ عراق و ایران را ادامه دهند.^(۶۸) مباحثات مذکور بدون نتیجه مشخص تا ۱۹۸۸ به درازا کشید. اظهارات محافظه کارانه بیشتری راجع به تحریم‌ها طی زمستان ۱۹۸۸ - ۱۹۸۷ در پاسخ به فشار فزاینده اعراب، ایراد شد. مثلاً در پاسخ به درخواست شاه حسین از گورباچف در جریان دیدارش از اتحاد شوروی در ۲۲ دسامبر ۱۹۸۷ مبنی بر حمایت از اعمال تحریم سلاح از طرف شوروی امنیت، گورباچف اعلام کرد:



کشورش سلاحی به ایران نمی‌دهد. اما وی در تلاش برای منحرف ساختن انتقادات اعراب از اتحاد شوروی به سمت ایالات متحده، در خصوص اثربخشی این نوع تحریم اسلحه اظهار تردید کرد و گفت: شک دارد طرف‌های دخیل در فروش مخفیانه اسلحه به ایران، از چنین تحریمی تبعیت کنند.

تا زمانی که اتحاد شوروی عملاً مخالف تحریم‌ها و احتمالاً در پشت پرده، طرفدار پیوستگی مواد ۶ و ۱ قطعنامه ۵۹۸ بود، عراق همچنان از موضع مسکو در قبال تحریم‌ها انتقاد می‌کرد و تکرار می‌کرد که قطعنامه شورای امنیت باید براساس توالی بندهای آن اجرا شود. در ۶ ژانویه ۱۹۸۸، صدام حسین اعلام داشت: ما به کسانی که می‌کوشند با جوانب مختلف قطعنامه شورای امنیت بازی کنند و به دنبال خشنود کردن رژیم ایرانند، هشدار می‌دهیم و افزود: خشنودسازی رژیم ایران که برخی افراد در ماه‌های گذشته دنبال کرده‌اند به تطویل جنگ کمک کرده است.^(۶۹) در حالیکه بیانات انتقادآمیز صدام حسین راجع به موضع شوروی مانند موارد فوق، در واقع شوروی را به تطویل جنگ متهم می‌ساخت.^(۷۰) در اظهارات انتقادآمیز طه یاسین رمضان نسبت به مقامات شوروی، چنین اتهاماتی مشاهده نمی‌شود. مثلاً طه یاسین رمضان، در اواسط دسامبر ۱۹۸۷ در جریان تبیین اختلافات مواضع بغداد و مسکو راجع به

همچنان ضد ایران بودند و تهران را به رد قطعنامه ۵۹۸ متهم می‌کردند.^(۶۶) بنابراین به نظر می‌رسد هنوز مکتب فکری قدرتمندی در نظام شوروی وجود داشت که برخلاف گورباچف، اهمیت بیشتری به توسعه روابط با عراق و کل جهان عرب می‌داد و بیشتر [اعضای] آن از درخواست عراق جهت [اعمال] تحریم علیه ایران حمایت می‌کردند.

در نهایت، گورباچف با نزدیک شدن نشست باریگان - که در ۷ دسامبر ۱۹۸۷ آغاز شد - احتمال قبول درخواست آمریکا جهت تحریم ایران را به عنوان وسیله‌ای برای تقویت روابط شوروی و آمریکا، در مقابل قبول پیشنهاد ۲۳ سپتامبر مسکو راجع به خلیج فارس] از طرف واشنگتن، بررسی کرده بود. بنابراین قبل و بعد از نشست سران، شاید فقط به خاطر تأثیرگذاری بر ایالات متحده، اتحاد شوروی به صورت ضمنی اشاره کرد که می‌تواند به سمت حمایت از تحریم‌ها برود. به عنوان مثال در ۴ دسامبر، گرومیکو به سفیر ایران در مسکو هشدار داد که اگر قطعنامه ۵۹۸ به اجرا درنیاید، مسأله گام‌های بعدی جهت کسب اطمینان از اجرا می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.^(۶۷) اما بیان شخصی گورباچف در یک کنفرانس مطبوعاتی در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۷ در واشنگتن، مبهم‌تر بود. وی مدعی شد که امکانات قطعنامه ۵۹۸ هنوز به اتمام نرسیده است و افزود که توضیح بیشتری نخواهد داد، زیرا مسکو و واشنگتن تصمیم گرفته

سلاح های شیمیایی را بدون مشخص کردن نام عراق، محکوم ساخت.^(۷۷)

در ۱۷ آوریل ۱۹۸۸ عراق بار دیگر شبه جزیر فاو را تصرف کرد و از آن پس ابتکار عمل را در میدان جنگ به دست گرفت. با بازپس گیری منطقه مجنون در ۲۵ ژوئن، عراق بیشتر اراضی خود را آزاد کرد. پروادا ضمن تأیید موفقیت های عراقی در میدان نبرد، یادآور شد که عراق قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته بود ولی ایران، علی رغم رد نکردن آن، برخی از شرایط را که در واقع به معنای تداوم فعالیت های نظامی است، به جای آورده است.^(۷۸) به نظر می رسد که این تفسیر بازتاب ناخشنودی مسکو از تهران

است. رژیم اسلامی نه تنها همچنان ذاتاً ضد شوروی بود، بلکه موضعی منفی در قبال موافقت نامه آوریل ۱۹۸۸ ژنو راجع به افغانستان، اتخاذ کرد. ایران به جای ستایش از تعهدات شوروی به عقب نشینی از افغانستان براساس برنامه زمانی ثابت، متذکر شد که موافقت نامه ژنو از طرف مقاومت افغان، یعنی مجاهدین، مردود دانسته

اختلافات گورباچف و گرومیکو راجع به جنگ عراق و ایران را این گونه می توان تحلیل کرد که وی وظیفه نکوهش ایران را به مقامی پایین تر از خود تفویض کرد

شده است، مجاهدینی که ایران آنها را تنها نمایندگان مسلمان افغان محسوب می کرد و جنگ مداوم شان را علیه رژیم مورد حمایت شوروی در کابل، جهاد اسلامی تلقی می کرد. به هر حال، حمایت نظامی تهران از شورشیان افغان احتمالاً همچنان اندک بود.^(۷۹) با توجه به سازش ناپذیری ایران، موفقیت های عراق در بازپس گیری خاک خود، باعث خشنودی مقامات شوروی شد. مقاماتی که از ۱۹۸۲ با هدف مهار رژیم اسلامی، شدیداً عراق را تسلیح می کردند. با پیشرفت عراق در جنگ، از شدت نارضایتی آن از شوروی به جهت ممانعت از اعمال تحریم ها علیه ایران، کاسته شد،^(۸۰) گرچه بغداد هنوز به دنبال جلب حمایت شوروی از تحریم ها بود تا آنکه ایران در ۱۸ جولای ۱۹۸۸

جنگ ایران و عراق، اظهار داشت: در میل مسکو به توقف جنگ یا تعهد شوروی به قطعنامه ۵۹۸، تردید نمی کنیم.^(۸۱) بنابراین می توان استنباط کرد که طه یاسین رمضان نسبت به صدام حسین هنوز [مواضع] دوستانه تری نسبت به مقامات شوروی داشت.

در تلاش دیگری برای متقاعد ساختن مقامات شوروی به حمایت از تحریم ها، طارق عزیز وارد مسکو شد و در آنجا جداگانه با شواردناده و ریژکف در ۲ فوریه ۱۹۸۸ به تبادل نظر پرداخت.^(۸۲) با شکست این تلاش، ظاهراً عراق متقاعد شد که هیچ گزینه ای جز توسل به زور برای مجبور ساختن ایران به قبول قطعنامه ۵۹۸ ندارد. چنین اقدامی مستلزم آن بود که عراق جو روابط با شوروی را بهبود بخشد. زیرا شوروی هنوز تأمین کننده اصلی سلاح این کشور بود. از این رو، در ۲۰ فوریه و قبل از آغاز حملات موشکی علیه شهرهای بزرگ ایران به ویژه تهران در اواخر ماه مزبور، صدام حسین کوشید انتقاد تند خود را جبران کند. وی ضمن قبول اختلاف با مقامات شوروی، آنان را دوستان خواند و توضیح داد: گاه هنگامی که دوستان مرتکب اشتباهی می شوند، نسبت به آنها شدیدتر از اشتباهات کسانی که دوستان نیستند، عکس العمل نشان می دهیم.^(۸۳)

آتش بس

عراق در کنار بمباران شدید شهرهای بزرگ ایران با موشک های شوروی که جهت افزایش برد، توسط عراق دستکاری شده بودند، استفاده از سلاح های شیمیایی راهم شدت بخشید. بعد از اعتراضات شدید ایران به مسکو بر سر موشک باران عراق، اتحاد شوروی در ۹ مارس ۱۹۸۸ از شورای امنیت خواست تا قطعنامه ای را با هدف توقف سریع جنگ شهرها صادر کند.^(۸۴) اما عراق که در این نوع جنگ، مزیتی نسبت به ایران داشت، غیرمستقیم درخواست مسکو را برای خاتمه آن، رد کرد.^(۸۵) عکس العمل شوروی نسبت به استفاده عراق از اسلحه شیمیایی همچنان دو پهلو بود و نشان می داد که مسکو نمی خواهد روابطش با بغداد دچار تنش شود. رسانه های شوروی چند اشاره ضمنی به استفاده عراق از این قبیل سلاح ها داشتند،^(۸۶) در حالی که سخنگوی وزارت خارجه شوروی هر گونه استفاده از

اجتناب کردند و تنها از اواخر جولای اظهار داشتند که تلاش‌های گسترده هر دو طرف منازعه جهت کسب موضعی برتر قبل از مذاکرات، باعث حل و فصل سریع نخواهد شد.^(۸۷) به هر حال، در ۸ آگوست ۱۹۸۸، دبیرکل سازمان ملل اعلامیه‌ای، راجع به آتش‌بس قابل قبول برای ایران و عراق منتشر کرد که براساس برنامه در ۲۰ آگوست به اجرا درآمد.

خاتمه فعالیت‌های نظامی بین ایران و عراق، بدون راه حل سیاسی برای مناقشه موجود، از دیدگاه شوروی هم محاسنی و معایبی داشت. از جنبه محاسن آن، عراق که قصد داشت از موضع قدرت به مذاکره بپردازد، هنوز به دنبال کمک نظامی مسکو بود؛ بازسازی اقتصاد عراق می‌توانست بازپرداخت قروض آن به شوروی را تسهیل کند. چنین عقیده‌ای هم معقول می‌نمود که با تحکیم آتش‌بس، ایالات متحده، تا حدود زیادی از حضور نظامی اش در خلیج فارس و اطراف آن خواهد کاست.

همان‌طور که مخالفت شوروی با اعمال تحریم‌ها علیه ایران به مدت یک سال نشان داده بود، که مقامات شوروی به بهبود روابط ایران اهمیت بیشتری می‌دادند تا ارتقای روابط شان با عراق یا کمک جزئی احتمالی به خاتمه جنگ خلیج فارس و تنش زدایی. همچنین با آنکه اتحاد شوروی از اساس با حضور نظامی امریکا در خلیج فارس مخالفت بود، اما از دیدگاه شوروی، حتی همین منفی‌ترین نتیجه فرعی جنگ هم، نفع خاصی داشت، زیرا خصومت ایران و آمریکارانشدید می‌کرد. در مقابل، خاتمه جنگ باعث ختم خصومت بین ایران و ایالات متحده در خلیج فارس می‌شد و ظاهراً بنیانی را برای تجدید روابط تهران و واشنگتن فراهم می‌کرد. در مجموع به نظر می‌رسد که پایان جنگ عراق و ایران، نتایج متنوعی داشت. (در واقع رابطه ایران با غرب بلافاصله پس از جنگ در سراسر نیمه دوم ۱۹۸۸ رو به بهبود نهاد - اگرچه روند مذکور در سال بعد، حالت معکوس یافت. بنابراین در نگاه به پشت سر، آشکار می‌شود که در پایان دهه ۱۹۸۰ هیچ بهبود محسوسی در روابط ایران و آمریکا به وقوع نپیوسته بود، حال آنکه مسکو پیوندهایش را با تهران تقویت کرده بود.)

قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت.^(۸۸) اتحاد شوروی همچنان با تحریم‌ها مخالفت می‌کرد و هنوز امیدوار بود که روابطش با ایران بهبود یابد. به ویژه در پرتو برخوردهای نظامی محدود بین ایران و نیروی دریای امریکا در خلیج فارس [در بهار و تابستان ۱۹۸۸، که در گزارش‌های شوروی از برخوردهای مذکور، جانبداری آشکاری از ایران صورت می‌گرفت.

ورنتسوف در چهارمین تلاش برای میانجیگری در جنگ ایران و عراق، از ۱۷ تا ۱۹ جولای ۱۹۸۸ دیداری از بغداد به عمل آورد^(۸۹) و از آنجا رهسپار تهران شد. زمانی که ورننتسوف هنوز در عراق بود، ایران در ۱۸ جولای قبول بی‌قید و شرط قطعنامه ۵۹۸ را به اطلاع دبیرکل سازمان ملل رساند و بنابراین تلاش شوروی برای میانجیگری را از هر نوع افتخار و اعتباری در ختم جنگ محروم ساخت.^(۹۰) ایران قطعنامه شورای امنیت را پذیرفت زیرا ماشین جنگی آن به لحاظ روحی و فیزیکی تا حدود زیادی در هم شکسته شده بود، امری که از سهولت بازپس‌گیری خاک عراق توسط این کشور و حتی هجومش به داخل ایران آشکار است. پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، دبیرکل سازمان ملل کوشید آتش‌بس برقرار شود و به دنبال آن بین طرفین مذاکراتی صورت گیرد. اما هر حال عراق به موافقت تهران جهت ختم جنگ، با تهاجمات گسترده به ایران پاسخ داد که هدف این تهاجمات هم ترساندن ایران و تصرف بخش‌هایی از خاک این کشور بود تا موضع عراق در مذاکرات آتی تقویت شود.

هرچند واکنش رسمی اتحاد شوروی به قبول قطعنامه شورای امنیت از سوی ایران، مثبت بود و سخنگوی وزارت خارجه شوروی، خرسندی عمیق خود را از این امر ابراز داشت.^(۹۱) اما مطالعه دقیق تفاسیر مسکو نشان‌دهنده فقدان خوشحالی از ختم جنگ است. گزارش نخست تاس از پذیرش قطعنامه توسط ایران، فاقد تفسیر بود.^(۹۲) در ۲۲ جولای، یکی از روزنامه‌های اصلی شوروی ضمن تأیید، عکس‌العمل طارق عزیز را نسبت به قبول قطعنامه نقل کرد که: تا زمانی که ایران گام‌های عملی محسوسی جهت برقراری صلحی کامل و پایدار، بر ندارد، منطقی‌تر خواهد بود که جنگ را در حال تداوم بدانیم.^(۹۳) به علاوه در آغاز، مقامات شوروی از سرزنش تهاجمات عراق به ایران

یادداشت‌ها

۲۶. همانطور که اشاره شد معاهده ماه مه ۱۹۷۱ مصر و شوروی - که اولین مورد از مجموعه معاهدات اتحاد شوروی و کشورهای جهان سوم در دورهٔ برژنف بود - در سال ۱۹۷۶ توسط مصر ملغی گردید؛ در حالی که پیمان دوم این مجموعه یعنی معاهده باهند در آگوست ۱۹۷۱، به مدت ۲۰ سال منعقد شد و مستلزم تمدید نبود. مع هذا معاهده با عراق علیرغم آن که سومین معاهده از مجموعه مذکور بود، اولین آنها بود که تمدید شد.

۲۷. عنوان رسمی دمیچف، معاون اول ریاست شورای عالی بود. از آنجا که براساس اصطلاحات پذیرفته شده غربی رئیس شورای عالی را رئیس جمهور می خوانیم معاون اول وی را معاون اول رئیس جمهور می خوانیم.

28. Pravda, April 9, 1987.

29. INA, April 8 and 9, 1987/DR, April 9 and 10, 1987.

30. INA (in English), April 22, 1987/DR, April 23, 1987.

31. NV 31 (July 31, 1987), p. S.

32. TASS (in English), June 3, 1987/DR (Soviet Union), June 4, 1987.

33. TASS, May 8 and 17, 1987/DR (Soviet Union), M. 11 and 18, 1987.

34. R. Monte Carlo, June 17, 1987.

35. R. Tehran, June 13, 14, and 15, 1987 and IRNA, June 14, 1987/DR, June 15, 1987.

۳۶. جالب آن که در تابستان ۱۹۸۷ یعنی زمانی که صدای گورباچف راجع به مناقشه ایران و عراق ملموس تر شد رویکرد متفاوت وی به منازعه اعراب و اسرائیل هم پدیدار شد. در ژوئن ۱۹۸۷، اتحاد شوروی از اسرائیل ویزای ورود جهت هیئت کنسولی شوروی درخواست کرد و در جولای، هیئت مذکور وارد اسرائیل شد. هیئت مذکور نخستین هیئت از این نوع بود که بعد از قطع روابط دیپلماتیک مسکو با اورشلیم وارد این کشور می شد.

37. Izvestiia, June 20, 1987.

38. al-Hawadith (London), October 23, 1987/DR, October 29, 1987.

39. Pravda, July 3, 1987 and INA, July 2, 1987/DR (Soviet Union), July 10, 1987.

40. Pravda, July 3, 1987.

41. Pravda, July 12, 1987.

42. R. Baghdad, July 16, 1987/DR, July 20, 1987.

1. Pravda, October 13, 1985.

2. Izvestiia, January 9, 1987.

3. Pravda, February 18, 1986.

4. TASS, December 9, 1986 and Izvestiia, January 16, 1987.

5. INA, February 8, 1987/DR, February 9, 1987.

6. Izvestiia, January 9, 1987.

7. DR, January 12, 1987.

8. INA, January 10, 1987/DR, January 12, 1987.

9. For Vilayati's talks in Moscow, see Pravda, February 14 and 15, 1987.

10. Pravda, February 14, 1987_

11. Al-Ray al-'Amm (Kuwait), February 15, 1987/DR (Soviet Union), February 24, 1987.

۱۲. در ۱۲ دسامبر ۱۹۸۶ اتحاد شوروی و عراق پروتکلی برای همکاری اقتصادی امضا کردند.

13. Al-Qabas, (Kuwait), March 2, 1987/DR, March 4, 1987.

14. Cordesman, Iran-Iraq War and Western Security, pp. 34-35.

15. Pravda, February 21, 1987. For Iraq's report on the talks,

16. see INA February 20, 1987/DR, February 24, 1987.

17. Izvestiia, February 12, 1987. and Pravda, April 30, 1987.

18. Pravda, February 21, 1987. and Izvestiia, April 30, 1987

19. R. Baghdad, Voice of the Masses, April 29, 1987; and INA, April 29, 1987/DR (Soviet Union), April 29, 1987.

20. INA, April 10, 1986/DR, April 11, 1986.

21. Izvestiia, April 20 and 21, 1986; INA, April 17, 1986/DR, April 17, 1986.

22. INA, April 20, 1986/DR, April 21, 1986.

23. INA. April 9, 1986/DR, April 9, 1986.

24. Pravda, April 9, 1987 and al-Thawra, April 10, 1987.

25. TASS (in English), April 8, 1988; and INA, April 8, 1988/DR, April 12, 1988.

64. al-Thawra, February 27, 1988, p. 8.
65. WAKH (Manama, Bahrain), November 6, 1987/DR (Soviet Union), November 10, 1987.
66. Pravda, October 18, 1987.
67. O. Peresypkin, Sovetskaia Rossiia, October 14, 1987.
68. Pravda, December 5, 1987.
69. Pravda, December 12, 1987.
70. Pravda, December 23, 1987.
71. R. Baghdad, Voice of the Masses, January 6, 1988/DR, January 7, 1988.
72. See also Saddam Hussein's statement on July 16, 1987, on p- 209 above.
73. Ramadan in Jordan Times, December 17, 1987/DR, December 17, 1987.
74. al-Thawra, February 2 and 3, 1988.
75. Saddam Hussein in al-Qabas (Kuwait), February 24, 1988/DR, February 26, 1988.
76. TASS (in English), March 9, 1988/DR (Soviet Union), March 10, 1988.
77. INA, March 10, 1988/DR, March 10, 1988.
78. TASS (in English), April 15, 1988/DR (Soviet Union), April 18, 1988; Iu. Glukhov, Pravda, August 11, 1988.
79. Gennadii Gerasimov in TASS (in English), May 6, 1988/DR (Soviet Union), May 6, 1988.
80. Pravda, April 19, 1988.
81. R. Tehran (in English), April 14, 1988; R. Tehran, April 15, 1988.
82. Tariq 'Aziz in al-Watan at-Arabi (Paris), May 6, 1988, p. 28.
83. INA, July 14, 1988/DR (Soviet Union), July 15, 1988.
84. Pravda, July 20, 1988.
85. Kyodo (Tokyo, in English), July 23, 1988/DR, August 26, 1988.
86. Pravda, July 20, 1988.
87. TASS (in English), July 18, 1988/DR (Soviet Union), July 18, 1988.
43. IRNA (in English), July 18, 1987/DR (Soviet Union), July 20, 1987.
44. For Security Council Resolution 598, see Keesings Record of World Events, 1987, p. 35600.
45. Pravda, July 4, 1987.
46. G. Vasil'ev, Pravda, July 22, 1987.
47. Pravda, July 20, 1987/DR (Soviet Union), July 22, 1987.
48. Pravda, July 29, 1987.
49. Pravda, August 1 and 5, 1987, respectively.
50. R. Baghdad. July 30, 1987/DR, July 31, 1987.
51. R. Tehran, August 3, 1987/DR, August 4, 1987.
52. Pravda, April 30, 1987.
53. al-Jumhuriyya, September 10 and 11, 1987.
54. Pravda, September 25, 1987.
55. al-Anba' (Kuwait), March 29, 1988/DR (Soviet Union), April 5, 1988.
56. Tariq 'Aziz in R_ Monte Carlo (in Arabic), September 26, 1987/DR, September 28, 1987.
57. INA, October 29, 1987/DR, October 30, 1987.
58. Pravda, October 31, 1987.
59. IRNA, October 31 and November 1, 1987; R. Tehran (in English), November 1, 1987/DR, November 2, 1987.
60. Taha Yasin Ramadan in WAM (Abu Dhabi), September 12, 1987/DR. September 14, 1987 and Tariq 'Aziz in al-Hawadith (London), October 23, 1987/DR, October 29, 1987.
61. Pravda, July 3, 1987 and INA. July 3, 1987/DR (Soviet Union), July 13, 1937.
62. Pravda, December 5, 1987.
۶۳. مطابق یک تخمین غربی، چین و کره شمالی ۴۳ درصد از کل واردات تسلیحاتی ایران را در سال ۱۹۸۵ و نزدیک به ۷۰ درصد آن را در سال ۱۹۸۶ تأمین می کردند. رک کردزمن، همان، ص ۲۹. می توان تصور کرد که سهم چین در واردات اسلحه ایران در سال ۱۹۸۷ با فروش موشک های ضد کشتی کرم ابریشم افزایش یافته باشد.